

(فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نهج البلاغه: الرضی، (م ۴۰۶ق)، به کوشش عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ق.

گروه تاریخ ۲ و احمد رضا حسین زاده



آهنگ حجاز: شرح زندگی و آثار و

سفرهای آیت الله سید فضل الله حجازی، به کوشش سید علیرضا حجازی

این کتاب شرح زندگی، آثار و سفرهای سید فضل الله حجازی است که یک سفرنامه حج از وی با نام *الرحلة الحجازیه* و سفرنامه‌ای دیگر از سید علیرضا حجازی با عنوان *شاهدی از حج خونین* را در خود دارد. هر دو سفرنامه به زبان فارسی‌اند. بخش‌های دیگر کتاب شامل زندگی‌نامه، اشعار و سروده‌ها، سفرنامه عتبات سید فضل الله و تصاویری از نویسندگان سفرنامه‌ها و برخی اشخاص دیگر است.

◀ الرحلة الحجازیه: سید فضل الله

حجازی (۱۳۱۸-۱۳۸۷ق). از عالمان بزرگ شهرضا (قمشه) و مؤسس حوزه علمیه این شهر بوده است. (ص ۴-۵) وی نزدیک به ۳۰ سال در شهرهای اصفهان، قم و مشهد (ص ۱) در حضور علمایی همچون سید مهدی زدریچه، آقا رحیم ارباب (ص ۱۴) و آیت الله خوانساری به تحصیل علوم دینی پرداخت و در سال

تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش؛ *سفرنامه حجاز*: محمد لبیب البتنونی، ترجمه: انصاری، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ *سفرنامه میرزا داود*: وزیر معارف: داود بن علینقی (م. ۱۲۷۷ق)، به کوشش قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش؛ *السیرة النبویه*: ابن هشام (م. ۸-۲۱۳ق)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ *شرح نهج البلاغه*: ابن ابی‌الحدید (م. ۵۶ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ *شفاء الغرام*: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق)، به کوشش مصطفی محمد، مکه، النهضة الحدیثه، ۱۹۹۹م؛ *الطبقات الکبری*: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ *کعبه و جامه آن از آغاز تا کنون*: محمد الدقن، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ش؛ *مرآة الحرمین*: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ *مروج الذهب*: المسعودی (م. ۳۴۶ق)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ *المسالك والممالک*: ابوعبید البکری (م. ۴۸۷ق)، به کوشش ادریان فان لیوفن و اندری فیروی، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ *مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی*: عبیدالله محمد امین کردی، ترجمه: صابری، مشعر، ۱۳۸۰ش؛ *مناجح الکرم فی اخبار مکه*: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۱۲۵ق)، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۱۹ق؛ *مناقب آل ابی‌طالب*: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ *المنتظم*: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ *مواهب الجلیل*: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ *میقات حج*

۱۳۴۷ق. به زادگاه خود بازگشت و به اقامه جماعت و احیای مساجد متروک شهرضا و تدریس دروس حوزوی پرداخت. (ص ۱۶) وی از بسیاری مراجع اجازه تصرف در امور حسیه را داشت. (ص ۳۹۶، ۳۹۸-۳۹۹) او آثار مکتوب اندک از خود بر جای نهاد که این سفرنامه از جمله آنهاست. (ص ۹)

این سفرنامه صفحات ۲۵۲-۲۹۷ از کتاب را به خود اختصاص داده و اهمیت آن در اشاراتی است که نویسنده به ماجرای قتل ابوطالب یزدی* در مکه کرده است. سفرنامه فصل‌بندی نشده و مطالب آن با تاریخ هر روز متمایز شده است.

نگارنده، نخست در سال ۱۳۵۱ق. عزم حج کرده که به رغم استمداد از نماینده شهرضا در مجلس، به علت ممنوعیت و عدم صدور جواز، به این کار موفق نشده است. (ص ۱۲۲-۱۲۵) بار دوم در ۲۳ شوال ۱۳۶۲ق. ۱۳۲۲ش. همراه عده‌ای از اهالی شهرضا به قصد حج و از مسیر آبادان با کشتی به سمت کویته رفته است. (ص ۲۵۵، ۳۵۳) مؤلف به دیدار خود با آیت الله حاج آقا حسین بروجردی در بروجرد نیز اشاره می‌کند. (ص ۲۵۴) وی سفرنامه را تقریباً بدون شرح و تفصیل نوشته و اطلاعاتی مفید به خواننده داده است. از جمله شمار حج‌گزاران شهرضا را در آن سال بیش از ۱۰۰ نفر و کرایه هر نفر را تا آبادان ۱۴۰ تومان یاد

می‌کند که البته تا رسیدن به مقصد به بیش از ۲۰۰ تومان رسیده است. (ص ۲۵۳) نیز کرایه کشتی بخار را ۵۵ تومان برای هر نفر از منیوحی تا کویته گزارش کرده است. (ص ۲۵۵) آنان ۱۲ روز در کویته می‌مانند تا وسیله حرکت به حجاز فراهم شود. (ص ۲۵۶) در عشیره* محرم می‌شوند (ص ۲۶۰) و غروب ۲۸ ذی‌قعدة به مکه می‌رسند. سفر آنان از کویته تا مکه ۱۶ روز به طول می‌انجامد. (ص ۲۶۱)

نگارنده اطلاعاتی تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی درباره مکه به دست می‌دهد؛ از جمله مردم این شهر را دارای مذهب شافعی می‌خواند. گاه نیز میان وضعیت دینی- فرهنگی ایران آن روزگار و این شهر مقایسه می‌کند. وی به مواردی همچون ممنوعیت اقامه نماز جماعت از سوی ائمه همه مذاهب و انحصار آن به مذهب حنبلی که سب ناخشنودی مردم مکه از آل سعود بوده و نیز ویرانی قبور و زیارتگاه‌ها به دست سعودی‌ها اشاره کرده است. (ص ۲۶۲-۲۶۳)

بخش مهمی از سفرنامه، به وصف مسجدالحرام، مقام‌ها، کعبه و کلیدداری آن، مختصری از مناسک حج و برخی رخدادهای تاریخی همچون حمله قرمطیان به مکه اختصاص یافته و نویسنده تنها در بخشی اندک بر مشاهدات خود تکیه کرده و بیشتر به

گزارش نشریه ام‌القری شمار حاجیان را در آن سال ۶۲۵۹۰ نفر اعلام می‌کند که ۳۵۱۵۴ نفر از راه دریایی، ۵۹۲۰ نفر از راه زمینی، ۳۰ نفر از راه هوایی، ۲۳۸۶ نفر از یمن و بقیه از مناطق مختلف عربستان به حج آمده بوده‌اند. (ص ۲۸۶)

نویسنده و همراهان ۳۸ روز در مکه بوده و سپس به جده و از آن‌جا به مدینه رفته‌اند. (ص ۲۸۶) مؤلف مردم مدینه را غالباً بی‌کار، فقیر و بی‌سواد و وضعیت عموم مردم مدینه را تأسف آور (ص ۲۸۹) می‌خواند. سپس مسجدالنبی را به شکل مبسوط معرفی می‌کند. به نوشته وی، امام جماعت این مسجد حنبلی بوده و کارهای مسجد به دست اغوات سامان می‌گرفته است. (ص ۲۹۳-۲۹۴) نیز از کتابخانه شیخ الاسلام در نزدیکی مسجدالنبی یاد می‌کند که گویا روزگاری خانه امام حسن رضی الله عنه بوده است. (ص ۲۹۴-۲۹۵)

نگارنده و همسفرانش پس از سه هفته مدینه را ترک می‌کنند و دو هفته (ص ۲۹۶) طول می‌کشد تا به کویت برسند. نویسنده عزم زیارت عتبات داشته؛ اما به علت ممنوعیت ورود به عراق برای کسانی که جواز مرور نداشته‌اند، گویا به این کار موفق نشده است. (ص ۲۹۷)

◀ **شاهدی از حج خونین:** این بخش از کتاب، سفرنامه مکه (تایستان ۱۳۶۶) سید

منابع مکتوب استناد داشته است. (ص ۲۶۴-۲۸۰) او سادن (کلید دار) کعبه را در زمان حج خود، شیخ محمد امین شیبی خوانده و از مالیاتی یاد کرده که او و شاهزادگان سعودی، برای ورود به کعبه از مردم می‌گرفته‌اند. (ص ۲۷۱-۲۷۲)

مشکل اختلاف در رؤیت هلال* در این سفرنامه نیز دیده می‌شود. نویسنده وارد مسجدالحرام می‌شود و در حالی که گمان می‌کرده ۲۹ ذی‌قعدة است، آگاه می‌شود که این سعود به مناسبت اول ماه، تیمناً برای طواف آمده است. تحقیق و تفحص برای رفع اختلاف به جایی نمی‌رسد و در نهایت نگارنده احتیاط کرده، وقوفین را دو بار به جا می‌آورد. (ص ۲۸۱-۲۸۲)

مؤلف در همان روز که ابوطالب یزدی را به اتهام آلوده کردن مسجدالحرام گردن زدند، در مسجدالحرام بوده و بر اساس مشاهدات خود، گزارش‌هایی از آن واقعه به دست داده است. (ص ۲۸۴-۲۸۶) به گفته او، ابوطالب در بین طواف بر اثر گرما، دچار «امتلاء مزاج» و استفراغ شده و به هیچ وجه قصد آلوده کردن مسجد را نداشته است. (ص ۲۸۵-۲۸۶) ← ابوطالب یزدی)

اشارتی به اغوات* (خواجگان) حرم و سازمان و وظایف آن‌ها از مطالب مفید کتاب است. (ص ۲۸۱) نویسنده همچنین با استناد به

علیرضا حجازی (متولد ۱۳۴۵ ش.) مدرس حوزه و دانشگاه است. وی آثاری در حوزه دین و ادبیات پدید آورده که سفرنامه حاضر از آن‌هاست. این سفرنامه به شیوه یادداشت‌های روزانه نگارش یافته و به لحاظ در برداشتن گزارشی دقیق از وقایع حج سال ۱۳۶۶ ش. (حج خونین) اهمیت دارد.

نویسنده بیستم تیرماه ۱۳۶۶ ش. از طریق جده به مدینه (ص ۳۴۶-۳۴۷) و پس از دو هفته اقامت در این شهر، برای انجام مناسک حج به مکه رفته است. (ص ۳۵۹) وی که با مأموریت تبلیغی به حج رفته (ص ۳۵۳-۳۴۵)، در طول سفر همواره با زائران کشورهای دیگر درباره عقاید شیعیان مباحثه کرده است. (ص ۳۴۶، ۳۵۰-۳۵۱، ۳۶۲ و ...)

نویسنده به راهپیمایی «وحدت» در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۶۶ اشاره کرده که از مقابل بعثه امام خمینی علیه السلام آغاز شده و به مسجدالنبی پایان یافته و راهپیمایان شعارهایی ضد آمریکا و اسرائیل سر داده و مسلمانان را به وحدت دعوت کرده‌اند. (ص ۳۵۵-۳۵۶) آنان پنجم مرداد در مسجد شجره محرم شده، به مکه می‌روند. (ص ۳۵۸-۳۵۹) بخش مهم این سفرنامه به شرح رخداد فجیع کشتار حجاج اختصاص دارد. به نقل نویسنده، یک روز پیش از برگزاری راهپیمایی، ۱۰ نفر از اعضای بعثه امام خمینی علیه السلام بازداشت و پس از برگزاری

تجمعی اعتراضی، آزاد می‌شوند. (ص ۳۶۳) فردای آن روز، عصر روز جمعه نهم مرداد، حاجیان ایرانی در برابر بعثه تجمع می‌کنند و پس از تلاوت قرآن، پرچم آمریکا را به آتش می‌کشند و در پی سخنرانی مهدی کروبی، نماینده امام خمینی علیه السلام و سرپرست حجاج ایرانی، به سمت مسجدالحرام حرکت می‌کنند. (ص ۳۶۳) در میانه راه نیروهای نظامی عربستان به تظاهرکنندگان هجوم می‌برند. (ص ۳۶۴) بر اثر تیراندازی (ص ۳۶۵) و زیر دست و پا ماندن برخی از حاجیان (ص ۳۶۶) افرادی بسیار کشته و مجروح می‌شوند. (ص ۳۶۷) نویسنده نیز با اصابت گلوله از ناحیه پا زخمی می‌شود. (ص ۳۵۶) و به کوچه‌های اطراف پناه می‌برد. سپس او را با آمبولانس به بیمارستان مرکزی ایرانیان می‌برند. (ص ۳۶۷) گویا نیروهای سعودی برخی از حاجیان را دستگیر کرده، به مکانی نامعلوم در بیابان انتقال می‌دهند. پس از مدتی زنان و پیرمردان را آزاد می‌کنند و جوانان را همچنان در بند نگاه می‌دارند. (ص ۳۶۸-۳۶۹) نویسنده با یاری دیگران مناسک حج را ادا می‌کند. وی بخش پایانی سفرنامه را به شرح این مناسک و سپس بازگشت به ایران اختصاص داده است. (ص ۳۶۹-۳۷۶)

نیز مقاله‌ای با عنوان «از حج خونین بگو» در هفت صفحه به سفرنامه ملحق شده که نویسنده

مقصود است. در این آیه، به نشانه‌های روشن و خاص خانه کعبه، از جمله مقام ابراهیم* و امنیت کسانی که به آن وارد شوند و نیز وجوب حج بر افراد مستطیع اشاره شده است: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۳، ۹۷)

بر پایه روایات شأن نزول، مسلمانان و یهود به یکدیگر فخر می‌فروختند. بیت المقدس را شکوهمندتر از کعبه می‌شمردند؛ زیرا سرزمینی مقدس و محل هجرت انبیا بوده است. در برابر، مسلمانان کعبه را با فضیلت‌تر می‌دانستند. در پی این اختلاف نظر، آیات ۹۶-۹۷ آل عمران/۳ نازل شد^۴ و کعبه را به سبب پیشینه تاریخی، پر خیر و برکت بودن، مایه هدایت بودن برای جهانیان و در بر داشتن نشانه‌های گوناگون توحید و معنویت، برتر از بیت المقدس معرفی کرد.^۵ مفسران درباره مرجع ضمیر «فیه» در این آیه اختلاف نظر دارند. برخی آن را «بیت» و برخی دیگر «بکة»^۶ شمرده‌اند. بر پایه روایتی، مقصود از بکة مکان کعبه^۶ است. بر پایه نقلی دیگر،

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷: الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۲؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۱.
۵. نمونه، ج ۳، ص ۹-۱۶.
۶. المیزان، ج ۳، ص ۳۵۶؛ کنز الدقائق، ج ۳، ص ۱۶۶.

آن را در نخستین سال ورود حجاج ایرانی به حجاز پس از حج خونین برای انتشار در برخی مطبوعات نگاشته است. (ص ۳۷۶-۳۸۲) وی در این مقاله مقایسه‌ای میان برخورد مسلمانان کشورهای دیگر با ایرانیان در سال ۱۳۶۶ ش. و سال ۱۳۷۰ ش. می‌کند و بر این باور است که نگاه مسلمانان دیگر کشورها به ایرانیان به ویژه پس از حمله صدام به کویت مساعدتر شده است. (ص ۳۷۸-۳۷۹)

این کتاب را سید علیرضا حجازی به سال ۱۳۸۷ ش. در انتشارات فارس حجاز و در ۴۱۰ صفحه با قطع وزیری چاپ کرده است.

سید محسن طاهری



آیات بینات: تعبیری قرآنی درباره

نشانه‌های آشکار خانه کعبه در مسجدالحرام

آیات جمع آیه به معنای نشانه^۱ و بینات جمع بینه به معنای دلیل واضح عقلی یا محسوس آمده^۲ و آیات بینات، به معنای نشانه‌های روشن و آشکار به کار می‌رود^۳، چنان که در آیه ۹۷ آل عمران/۳ همین معنا

۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱، «ای ی».
۲. مفردات، ص ۶۸؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۸۴، «بین».
۳. حقائق التأویل، ص ۳۰۰؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱؛ المیزان، ج ۳، ص ۳۵۴.